

زندگینامه علامه شعرانی

زهرآشیان - ورودی ۷۴

معارف اسلامی (گرایش فقه و اصول)

چرا که به قول ملای روم:

در نیابد حال پخته هیچ خام

پس سخن کوتاه باید والسلام!

حضرت علامه ذوالفنون، حکیم متأله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد و از نوادگان ملا فتح الله کاشانی صاحب تفسیر منهج الصادقین به سال ۱۳۲۰ هجری - قمری در شهر تهران دیده به جهان گشود و در بیت علم و فضیلت و تقوا رشد و نمو کرد. در کودکی و نوجوانی، قرآن، تجوید و ادبیات عرب را نزد پدر فراگرفت و کتب رایج در رشته‌های مختلف را در محضر علمای قم و تهران بخصوص مدرّسان مدرسه فخریه (مروی) فراگرفت.

ایشان در تهران ضمن اقامه نماز جماعت در مسجد ملا ابوالحسن (جدّ ایشان) به بیان معارف اسلامی برای مردم پرداخته و عمر خود را به مطالعه، تحقیق، تألیف و تدریس گذراند و در حدود سی سال حوزه درس داشت.

مرحوم علامه شعرانی نمونه پایداری در کسب علم و جامعیت در علوم مختلف و

در تذکرة الاولیای عطار نیشابوری، در حکایتی لطیف و ظریف چنین آمده: "آن هنگام که یوسف صدیق را در بازار برده‌فروشان به مزایده گذارده بودند و بهای او به ده برابر وزنش طلا رسیده بود، پیرزنی با چند بسته و ریسمانی که رشته بود به میان جمع آمد و فریاد زد که "ای دلّال کنعانی فروش" این ده بسته ریسمان را از من بستان و یوسف را به من ده! مرد فروشنده خندید و گفت: ای زن این درّ یتیم در خور تو نیست. صد گنج بهای این جوان است تو با ده کلاف ریسمان چه انتظار داری؟ در جواب او:

پیر زن گستا که دانستم یقین

کاین پسر را کس نه بفروشد بدین

لیک اینم بس که چه دشمن چه دوست

گسود این زن از خریداران اوست

غرض اینکه من نیز چون آن زن با اندک سواد خویش سعی در سخن راندن از بزرگمردی کردم که اسوه فقه و فقاہت، دین و دیانت و اسطوره اخلاق است. و این مهم میسر نیست با زبان الکن و قلم نارسای من!



شاخصهای علمی علامه شعرانی

مرحوم علامه شعرانی در ابعاد مختلف دین دارای آثار گسترده و قابل توجهی بودند و ما در اینجا تیمناً به ذکر پاره‌ای از این آثار می‌پردازیم.

با استناد به بخش تعلیقات علامه شعرانی بر شرح اصول کافی که اثر ملا صالح مازندرانی است، شاخصهای علمی که ذیلاً شرح آن می‌آید، در زمینه مبادی روش‌های کلامی و دین‌شناسی از شیوه کلی تعلیقات و نحوه برداشت‌های ایشان انتزاع شده و گاه نیز خود به آنها تصریح نموده‌اند. در سایر رشته‌ها نیز نیاز به فحص و تحقیق جداگانه برای بیان شاخصه‌های علمی ایشان است.

۱- وسعت گستردگی معلومات :

امتیاز برجسته مرحوم شعرانی این است که ایشان از معدود افراد جامع بین معقول و منقول در قرن اخیر و حتی صاحب نظر در علوم چون نجوم، ریاضی و طب بوده‌اند. این جامعیت و وسعت معلومات برای اسلام‌شناسی امتیازی مهم محسوب می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به شرح اصول کافی، جلد سوم، صفحات ۶۹-۷۶ رجوع شود که ایشان از یک حدیث سه سطر حدود شش برهان بر اثبات وجود حق تعالی استنتاج نموده و نیز در صفحات ۳۶۹ تا ۳۸۳ شرح حدیث اول از باب حدوث الاسماء که کیفیت ظهور اسماء الهی را تبیین نموده‌اند.

۲- دقت و تعمق:

"نفس المهموم" است که به نقل آن می‌پردازیم: "اما بعد چنین گوید این بنده فانی ابوالحسن بن محمد بن غلامحسین بن ابی الحسن المدعو بالشعرانی که چون عهد شباب به تحصیل علوم و حفظ اصطلاحات و رسوم بگذشت و اقتداً به اسلافی الصالحین من عهد صاحب منهج الصادقین از هر علمی بهره گرفتیم و از هر خرمی خوشه برداشتم، گاهی به مطالعه کتب ادب از عجم و عرب و زمانی به دراست اشارات و اسفار و زمانی به تتبع تفاسیر و اخبار، وقتی به تفسیر و تحشیه کتب فقه و اصول و گاهی به تعمق در مسائل ریاضی و معقول تا آن عهد به سر آمد.

لقد طفت فی تلك المعاهد كلها

و سرحت طرفی بین تلك المعالم

سالیان دراز، شب بیدار و روز در تکرار همیشه ملازم دفاتر و کراریس و پیوسته مرافق اقلام و قراطیس، ناگهان سروش غیب در گوش، این ندا داد که علم برای معرفت است و معرفت بذر عمل و طاعت و طاعت بی‌اخلاص نشود و این همه میسر نگردد مگر به توفیق خدا و توسل به اولیا؛ مشغولی تا چند؟!

علم چندانکه بیشتر خوانی

چون عمل در تو نیست نادانی

شتاب باید کرد و معاد را زادی فراهم ساخت! زود بر چتر که آفتاب برآمد و کاروان رفت؛ تا یقینی باقی است و نیرو تمام از دست نشده، توسلی جوی و خدمتی کن...."

تعلیم آن به دیگران بود. وسعت و عمق علمی‌شان از دروسی که در طی سالیان متمادی تدریس می‌کردند، بخوبی واضح است؛ چنانچه هیأت فلاماریون را از فرانسه به فارسی ترجمه کردند و برای جمعی درس گفتند. مرحوم سید حسن مدرس (علیه السلام) دستور دادند که ایشان در مدرسه عالی سپهسالار ریاضی تدریس کنند.

نکته قابل توجه این است که درس استاد منحصر به خواص و شاگردان نبود؛ بلکه در جلسات متعددی به بیان اصول و احکام و اخلاق دینی و رفع شبهات می‌پرداختند. در مورد روش تدریس و بیان استاد چنین آمده: آیت الله شعرانی مطالب عالی علمی را تنزل می‌دادند تا همگان بتوانند از مواهب دانش که خدا نصیب ایشان کرده بهره‌مند گردند و شاگردان آن عالم عالیقدر با مثالهایی که به خود استاد اختصاص داشت، مطالب علمی را بخوبی درک می‌کردند.

دیگر ویژگی‌های علمی و اخلاقی

علامه شعرانی!

شاگردان فاضل استاد خاطرات بسیاری حاکی از صفای درونی و سادگی و خوش خلقی و پایداری در تعلیم و تعلم و بی‌پیرایگی ایشان در عین فراست و دقت نقل می‌کنند. اما آنچه معرفت‌پارسایی و تواضع و صفا و اخلاص علامه شعرانی به اهل بیت می‌باشد، مقدمه ایشان بر ترجمه کتاب

مرحوم علامه شعرانی را می‌توان در دقت و تعمق در مسائل علمی و آیات قرآن و روایات اهل بیت جزء معدود افرادی دانست که با وجود سعه علمی و گستردگی اطلاعات به هنگام تحلیل و استنتاج لوازم از ملزومات توانایی و ابداع خاصی برخوردارند.

۳- روحیه نقادی:

روحیه حق‌طلبی مرحوم شعرانی که جز با بررسی و نقادی منصفانه آرا حاصل نمی‌شد، ایشان را به نکاتی دقیق و راهگشا در زمینه‌های علوم عقلی و نقلی و نیز فهم آیات و روایات رهنمون می‌گشت و احترام بسیار ایشان به علما، هیچ‌گاه مانع از نقادی آثار و آرای آنان نمی‌شد؛ چراکه ادامه حیات علم را در تحرّی حقیقت و تمییز صحیح از سقیم می‌دیدند.

۴- شرح صدر و تقوای علمی:

مرحوم شعرانی واجد خصلت انصاف و تقوای علمی بود. اولین سعی او در فهم هرچه بهتر نظریات دیگران و استدلال‌های آنان بود و آنگاه به تجزیه و تحلیل منطقی به دور از هرگونه تعصب خام و جهت‌گیری و رأی استدلالی می‌پرداخت و گاه در طرح دقیق ادله مخالفان، از خود آنها فراتر می‌رفت و ابتدا ادله را استحکام می‌بخشید، سپس به بررسی و نقد و قبول یا رد آنها می‌پرداخت.

ایشان در مقام تحقیق در عقاید یک دین یا نحله خاص تنها به مسموعات و منقولات درجه دوم اکتفا نمی‌نمود و

خود به منابع دست اول رجوع می‌کرد و با تسلطی که بر چند زبان زنده دنیا داشتند حتی الامکان منابع اصلی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند. ایشان در مذمت به کار بردن حربۀ تکفیر در شرح اصول کافی چنین می‌فرمایند: "تکفیر توسط اهل ظاهر مصیبتی است که مسلمانها در اکثر زمانها به جهت اغوای شیطان به آن مبتلا بوده‌اند تا اینکه چهره دین را نزد ملحدان مشوه ساخته و علما را از تجهیز و مهارت در دفع شبهات منکرین بازداشته تا نتوانند مبادی عقاید را محکم نمایند."

۵- روشن بینی و قدرت درک مفاهیم و موضوعات جدید:

کنجکاو فطری علامه شعرانی و دید روشن ایشان در درک و فهم علوم بشری علاوه بر علوم دینی همراه با آشنایی به چندین زبان زنده دنیا دیدگاه و نظرگاه جدیدی را در بینش ایشان به وجود آورده بود بطوری که در بیان مفاهیم اسلامی گاه از نتایج علوم روز و نظریات علمی استفاده می‌نمودند و گاهی نیز برای توضیح آیه یا روایتی و یا جهت تبیین فلسفه احکام فردی یا اجتماعی اسلام از تحلیلهای تاریخی جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا اقتصادی استفاده می‌کردند.

البته دقت و وسواس علمی را برای پرهیز از تفسیر به رأی رعایت می‌فرمودند.

به نقل از شاگردانشان از محسّنات ایشان این بود که به فکر و آرای قدما

در مسائل فقهی خیلی عنایت داشتند. و عجیب در ولایت متصّل بودند و در ابتدای کتاب نفس المهموم مرحوم حاج شیخ عباس قمی (رحمته الله علیه) که ترجمه فرمودند با فرمایشاتی خواندنی و بیاناتی شیرین به پیشگاه اهل بیت ولایت اظهار علاقه، تضرّع و تأدّب نموده‌اند. به درس و بحث و مطالعه و تحقیق نیز عشق بسیار داشتند و اصلاً سر تا پا عشق بودند. شاگردان ایشان نقل می‌کنند: "چه بسیار برای ما پیش می‌آمد که نماز صبح را در مدرسه مروی می‌خواندیم؛ بین الطلوعین ایشان در منزلشان کفایه می‌فرمود، کفایه که تمام می‌شد بعضیها می‌نشستند، بعضیها می‌رفتند. آقایانی برای درس مکاسب ایشان می‌آمدند. یک نفسی تازه می‌کرد، برای درس مکاسب می‌آمد، درس مکاسب گفته می‌شد، مکاسبیها می‌رفتند بعد ایشان اسفار می‌فرمود یا شفا یا اشارات و درس‌های فلسفی می‌گفتند.

چه بسا روزها- خدای علیم و لطیف و خبیر گواه است - که ما در بین الطلوعین می‌آمدیم برای درس کفایه و سر درس آخری مثلاً مجسطی، زیج بهادری اذان ظهر می‌گفتند و ایشان از صبح تا ظهر به ترتیب کفایه، اسفار و... تدریس می‌کردند تا اذان ظهر."

آثار:

آثار چاپ نشده استاد بسیار است اما در اینجا به ذکر آثار مطبوع ایشان اکتفا می‌کنیم:

- در تفسیر و علوم قرآن:

- ۱- حاشیه بر مجمع البیان در ده جلد با تصحیح کامل و اعراب اشعار و توضیح آنها
 - ۲- تصحیح کامل تفسیر صافی در دو جلد
 - ۳- حواشی و تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج الصادقین در ده جلد
 - ۴- مقدمه و حواشی و تصحیح کامل تفسیر ابوالفتح رازی با توضیح اشعار و شواهد عربی و فارسی در دوازده جلد.
 - ۵- نشر طوبی؛ دائرة المعارف اصطلاحات قرآن تا حرف "ص" است که به سبک جالبی معانی متفاوت و ازدهای قرآنی به حسب استعمال در آیات مختلف مطرح شده و مورد تفسیر قرار گرفته و شامل معارف مختلف فلسفی و کلامی و نکات دقیق فقهی و تاریخی است.
 - ۶- تجوید قرآن
 - ۷- طبع بیش از شصت نسخه از قرآن کریم که با دقت نظر ایشان تصحیح و اعراب گذاری شده است.
- در حدیث و روایت:
۱. جمع حواشی و تحقیق و تصحیح کتاب "وافی" ملا محسن فیض کاشانی در سه جلد
 ۲. تعلیقات شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در دوازده جلد
 ۳. تعلیقات بر وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی از جلد شانزده تا بیست
 ۴. حاشیه بر ارشاد "القلوب" دیلمی
 ۵. ترجمه و شرح دعای عرفه

حضرت امام حسین (علیه السلام) به ضمیمه

- کتاب فیض الدموع
۶. ترجمه و شرح مفصل صحیفه کامله سجادیه
 ۷. رساله در علم درایه
 ۸. تحقیق و تصحیح جامع الروات به امر آیه الله بروجردی
- در فقه و اصول:
۱. المدخل الی عذب المنهل در اصول
 ۲. شرح کفایة الاصول بر طریقه
 - قال اقول که به تفسیر و توضیح مقاصد آن به عبارت واضح اکتفا شده
 ۳. شرح تبصره علامه حلی که مختصری از کلیه کتب فقهی شیعه امامیه را نیز در بر دارد.
 ۴. حاشیه کبیره بر قواعد
 ۵. رساله در شرح شکوک صلاة در عروة الوثقی
 ۶. مناسک حج با حواشی نه نفر از مراجع تقلید
 ۷. فقه فارسی مختصر جهت تدریس
- در فلسفه و کلام:
۱. شرح تجرید در علم کلام
 ۲. حاشیه بر فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب
 ۳. راه سعادت در اثبات نبوت و ردّ شبهات یهود و نصاری
 ۴. ترجمه کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانیة با انتقاد از لغزش های نویسندگان آن
 ۵. تعلیقاتی بر کتاب "محمد پیامبر و سیاستمدار" نوشته مونتگمری وات
 ۶. اصطلاحات فلسفی

۷. مقدمه و حواشی محققانه بر اسرار الحکم سزواری
- در هیئت و نجوم:
۱. شرح عمل به زیج هندی و براهین عملیات آن مبتنی بر هیئت جدید
۲. تعلیقه و مستدرک تشریح الافلاک در اشاره به هیئت جدید
۳. هیئت فلاماریون ترجمه از زبان فرانسه
۴. تقویمهای شبانه روزی
- در تاریخ و فنون دیگر:
۱. ترجمه نفس المهموم شیخ عباس قمی
۲. مقدمه، تصحیح و تحقیق کشف الغمة
۳. مقدمه و تصحیح منتخب التواریخ
۴. مقدمه کتاب وقایع السنن مرحوم خاتون آبادی
۵. مقدمه، تصحیح و تعلیقات بر کتاب روضة الشهداء
۶. تصحیح کامل و مقدمه و حاشیه جلد اول و سوم نفائس الفنون و عرائس العیون آملی
- رحلت علامه شعرانی:
- سرانجام این علامه عالیقدر در سن ۷۳ سالگی دچار ضعف و نفاخت و بیماری قلب و ریه گردید. و پس از چندی بواسطه شدت بیماری به آلمان اعزام شده و در یکی از بیمارستانهای شهر هامبورگ بستری گردید لیکن معالجات سودی نبخشید و پس از نیمه شب یکشنبه ۱۲ آبان ماه سال

۱۳۵۲ مقارن با هفتم شوال سال ۱۳۹۳ هجری قمری در بیمارستان جان به جان آفرین تسلیم نمودند. پیکر ایشان به تهران منتقل و در جوار حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. **گزیده‌ای از وصیت‌نامه علمی، معنوی و اخلاقی آیت الله شمرانی خطاب به دانشجویان و طلاب علوم دینی:**

"توصیه‌ای به برادرانم، یعنی طالبان علوم دین و پژوهندگان آثار سرور انبیاء علیهم‌السلام که بدین کتاب می‌نگرند؛ بزرگترین چیزی که بر طالب علم واجب و ضروری است، خالص گردانیدن نیت اوست که بنده را توفیق می‌دهد و وسایل طاعت خویش را برایش فراهم می‌آورد و هموست که راه درست را در قلوب بندگانش الهام می‌بخشد. اگر اخلاص نیت نباشد هیچ‌کس موفق نمی‌شود از نردبان دانش بالا رفته یا از آموخته‌های خود سودی برد... از دیگر اموری که بر طالب علم واجب است، پارسایی و پرهیز از حرامها و مسائل شبهه‌ناک و نیز مواظبت بر عبادات است؛ زیرا هیچ‌کس از علم خود سودی نمی‌برد مگر آن را با عمل مقرون سازد. دل‌های مردمان نیز بواسطه عالم بی‌تقوا آرامش نمی‌یابد....

و واجب است بر طالب علم که قرائت قرآن کریم را در طول شبانه روز ترک نگردد و آن قرائت را به اندازه توانایی خویش با تدبیر و تأمل در ریزه‌کاریها و معانی آیات همراه سازد و در آیاتی که به اشکال برمی‌خورد به

تفسیر مراجعه کند و نیز واجب است بر ادله گفتار و رفتار و مطالعه آنچه را بیهوده است و بدو ارتباطی ندارد و گذارد... و باید طالب علم نسبت به علما گمان نیکو داشته باشد و این راز موفقیت و وسیله کامیابی و پیروزی است و بدگمانی به آنان شقاوت و بدبختی به بار می‌آورد بلکه گاهی به کفر و گمراهی و جهل مرکب می‌انجامد. پس باید در کلام آنها با عنایتی کامل و تدبیری راستین نگریست... البته مقصود ما این نیست که این بزرگان، معصوم از خطا هستند بلکه منظور این است که جایز نیست در اولین برخورد سریعاً آنان را تخطئه کرد.

و نیز واجب است بر طالب علم که عادت به تعصب و خشکی نسبت به کتاب خاص یا طریقه‌ای خاص پیدا نکند...

یک طالب علم باید در تهذیب نفس خویش کوشا باشد و خود را با اخلاق فاضله آراسته سازد و در این راه تنها به خواندن احادیث وارد شده بسنده نکند؛ بلکه عمده آن است که با اهل اخلاق همنشین و معاشر گردد و اعمال خود را بر آنان عرضه بدارد و عیوب و کاستی‌های خویش را دریابد و از آنان راه‌های اصلاح نفس را بجوید.

شایسته است بر تو که از معاشرتهای خالی از تعلیم با مردم بکاهی بویزه با ثروتمندان و مترفین و دنیا خواهان باید آنچه را که آخرت را از یاد تو می‌برد و میل و رغبت به دنیا

را در تو ایجاد می‌کند رها کنی و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی زیرا این عمل بطور کلی در تهذیب نفس مؤثر است....

بدان که (رشته‌های) علوم شرع بسیار است و کمتر اتفاق می‌افتد که شخصی در تمامی آنها کاردان و صاحب مهارت گردد و لذا بر هر طالب علمی واجب است که بخشهایی از این علوم را برگزیند که:

الف - فایده آن برای مردم بیشتر باشد. ب - در جهت رهایی از گمراهی نیز از توانایی بیشتری بهره‌مند باشد. و از آنجا که فراگیری و آموزش همه این علوم، واجب کفایی است اگر در یک رشته تعداد عالمان افزایش یافت و در رشته دیگر رو به کاستی یا نابودی نهاد پس بر طلبه مستعد واجب است که این رشته را برگزیند هرچند که منزلت و منافع دنیایی او در رشته دیگر نهفته باشد و این از نشانه‌های اخلاص نیت در راه فراگیری دانش است و از همین امر دانسته می‌شود که هدف این دانشجو تنها خداوند متعال است.

علمی هستند که در همه رشته‌ها بدانها نیاز هست. مانند:

(۱) زبان عربی

(۲) علم قرائت... هرچند اگر به قرائت یکی از قراء هم اکتفا کند... زیرا حفظ کلمات و الفاظ قرآن از واجبات است و این هم وظیفه اهل علم می‌باشد و از همین رهگذر است که معجزه بودن قرآن پایدار می‌ماند.

(۳) سیره

حد کمال رسد و بخشی از فقه و کلام را نیز آموخته باشد.

منابع:

- در آسمان معرفت: علامه حسن‌زاده آملی
- حاشیه وافی: علامه شعرانی
- شرح اصول کافی، ج ۲
- مجله کیهان اندیشه، شماره ۴۵

معرفت داشته باشد... زیرا هر عالمی احتیاج به بحث و تقریر و تعلیم دارد و این امور جز از رهگذر علم تفصیلی امکان‌پذیر نیست؛ برخلاف عوام مردم که نوعاً به دانستن مختصر و اجمالی اکتفا می‌کنند...

و نباید در فراگیری علمی قدم پیش گذارد مگر آنکه مقدمات آن را تکمیل کند مثلاً برای پرداختن به تفسیر و حدیث باید ابتدا در ادبیات عرب به

۴) حدیث؛ باید از احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت  نمونه‌های خوب و شایسته‌ای را بداند زیرا با نگرستن در آن احادیث است که ایمان در قلب آدمی استقرار می‌یابد و بر راستی آنان در نبوت و امامت یقین حاصل می‌شود.

۵) اصول اعتقادات: واجب است بر طلاب علم که بر اصول مذهب و آنچه به اعتقادات وابسته است،

« ادامه از صفحه ۳۲ »

اسلوب شعره:

و هو فی اسلوبه کثیر التصنع، لغرامه بالصور الیانیة من تشبیه و استعارة و کنایة و الوان بدیعیة فقد کان مولعاً بذلك حتی جاء اکثر شعره یختال فی مطارف التشبیه و المجاز و ربما جره الامعان فی هذا الی غموض المعنی و استغلاق الفكرة و کان یعنی باصطفاء الالفاظ الجزلة و العبارات الفحلة و التركیب الرصین و یتفياً المعنی العمیق البعید الفور و یجنح الی المبالغة فی اکثر صورہ الشعریة. و قد فتن ابن خفاجة بحب الطبیعة و کان لمشاهدہا اثر عظیم فی نفسه و ابداع فی الوصف و عرض صوراً رائعة حافلة بالمشافی الانیقة و الافکار الرشیقة بل اننا نراه یغوص الی

الاعمق و یتخرج درر المعانی و لآئها و یتکر من الاوصاف ما یعده الشاعر الطبیعة غیر منازع و وصاف معالمها غیر مدافع. هو کثیر التصنع فی اسلوبه یتبع الوان البیان من تشبیه و استعارة حتی لا یکاد یخلو بیت من شعره من هذه صور البیانیة الرائعة التي تسترعی الانظار و تستلفت الخواطر باناقتها و جمالها فلیس لده سوی الشریف من التشبیهات و الطریف من الاستعارات.^۱

الکبيرة.^۲

نشر ابن خفاجة

لابن خفاجة قطع نشریة سلك فیها مسلك الشعر من حیث الوصف و الخیال و سار فی اسلوبه علی نحو اسلوب ابن

(۱) عبدالمنعم - محمد: الادب الانا. لسی

التطور و التجدید، دارالجلیل، ص ۵۱۹

(۲) أيضاً، ص ۵۲۰